

## پیش‌نهادهایی برای تصحیح برخی از بیت‌های دیوان معزی و ذکر شعرهای نویافته وی (بر پایه تذکرها و جنگ‌های کهن)

غلامرضا سالمیان\*

سهیل یاری گلدره\*\*

### چکیده

در دانش تصحیح متون، هرچه اقدام نسخ به زمان زندگی مؤلف نزدیک‌تر باشد، به شرط رعایت قواعد تصحیح علمی، استواری متن تصحیحی بیش‌تر است. متأسفانه از بسیاری از متون ارزش‌مند زبان فارسی نسخه‌ای کهن باقی‌نمانده است. در چنین حالی، متون واسطه‌ای (تذکرها، جنگ‌ها، مجموعه‌ها، و سایر متون نظم و نثر)، که بخشی از متن مورد نظر را تضمین کرده باشند، نقش مهمی در یافتن صورت درست ضبط کلمات ایفا می‌کنند. در پژوهش حاضر با این پرسش که «آیا می‌توان با کمک متون واسطه‌ای برخی از کاستی‌های تصحیح دیوان معزی را مرتفع کرد؟» و با بهره‌گیری از چنین متونی به بررسی دیوان شاعر پرداخته شد. حاصل پژوهش عبارت است از ۲۵ پیش‌نهاد تصحیحی جدید به علاوه یادکرد حدود ۴۵ بیت از معزی که در دیوان چاپی او نیامده است.

**کلیدواژه‌ها:** تصحیح متون، معزی، شعر فارسی، تذکرها، جنگ‌ها.

### ۱. مقدمه

امیرالشعرا ابو عبدالله محمد بن عبدالملک معزی نیشابوری از شاعران استاد و از فصیحان

\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول) salemian@razi.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه yari.sohel@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸

نام‌دار فارسی است. پدرش عبدالملک برهانی از شاعران دربار آلب ارسلان بود و در اوایل سلطنت ملک‌شاه سلجوقی وفات یافت و محمد، فرزندش، به جای او به خدمت سلطان ملک‌شاه درآمد و تخلص شعری خود، معزی، را از لقب سلطان، که «معزالدین» بود، گرفت. ملک‌شاه سلجوقی او را امیر لقب داد؛ بنابراین، مانند پدر امیرالشعرا دربار سلجوقی شد. پس از مرگ ملک‌شاه، معزی به خدمت سلطان سنجر درآمد. او بین سال‌های ۵۱۸ تا ۵۲۱ ق درگذشت (صفا، ۱۳۶۶: ۲/ ۵۰۸-۵۱۵).

بی‌شک امیر معزی از شعرای بزرگ ادب فارسی در عصر سلجوقیان بود که بسیار مورد تکریم و نواخت برخی از سلاطین آن سلسله قرار گرفت. در این باره صاحب‌الباب می‌نویسد: «سه کس از شعرا در سه دولت اقبال‌ها دیدند و قبول‌ها یافتند؛ چنان‌که کس را آن مرتبه میسر نبود: یکی رودکی در عهد سامانیان و عنصری در دولت محمودیان و معزی در دولت سلطان ملک‌شاه» (عوفی، ۱۳۸۹: ۴۴۶).

در عظمت شاعری او همین بس که شاعران عظیم‌القدری مانند سنایی، عثمان مختاری، خاقانی، سیدحسن غزنوی، و جامی در سروده‌های خود از او به بزرگی یاد کرده‌اند. دولت‌شاه سمرقندی درباره‌ی استقبال شاعران از یکی از قصاید او با مطلع:

ای تازه‌تر از برگ گل تازه به بر بر پرورده ترا دایه‌ی فردوس به بر بر

می‌نویسد: «ابوطاهر خاتونی می‌گوید در کتاب مناقب الشعرا که این قصیده را تقریباً صد کس جواب گفته‌اند؛ اما مثل امیر معزی هیچ‌کدام نمی‌گویند» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

هم‌چنین از حدود یک قرن پس از درگذشت معزی، برخی از اشعار او را در متون معتبری مانند کلیله و دمنه، سنن‌الدنامه، و نیز کتاب‌های عرفانی‌ای هم‌چون سوانح احمد غزالی و نامه‌های عین‌القضات می‌بینیم که این امر خود حاکی از اقبال به سروده‌های معزی است.

دیوان معزی تاکنون سه بار به چاپ رسیده است. بار نخست، عباس اقبال کتاب را در سال ۱۳۱۸ با نسخه‌هایی که کهن‌ترین آن‌ها مورخ سده‌ی یازدهم هجری است، تصحیح کرد. ناصر هیری در سال ۱۳۶۲ از روی چاپ اقبال، چاپ دیگری از دیوان معزی عرضه کرد و محمدرضا قنبری در سال ۱۳۸۵ باز هم از روی چاپ اقبال و با مدد گرفتن از مندرجات برخی تذکره‌ها و جُنگ‌ها به چاپ سوم دیوان همت گماشت.

متأسفانه از آن‌جا که تاکنون نسخه‌ی کهن کاملی از دیوان او یافت نشده است و نُسخ کامل دیوان او مربوط به قرن یازدهم به بعد است، برخلاف تلاش بزرگانی که نامشان ذکر شد، از داشتن متنی منقح و صورت درستی از اشعار او محرومیم. با این وصف،

خوش‌بختانه در سفینه‌ها، جُنْگ‌ها، و برخی تذکره‌ها اشعاری از او آمده است که بسیار مغتنم محسوب می‌شوند و چه‌بسا در مواردی متعدد، به کمک همان گزیده‌شعرها می‌توان بسیاری از ابیات او، و حتی اشعار برخی دیگر از شاعران، را تصحیح کرد. در پژوهش حاضر برآنیم بر اساس قواعد تصحیح و با تکیه بر چنین متونی، که قدمت برخی از آن‌ها کهن‌تر از اقدام نسخ مورد استفاده در چاپ دیوان است، پیش‌نهادهایی نو در تصحیح برخی از اشعار معزی ارائه کنیم. علاوه بر آن، می‌کوشیم پاره‌ای از ابیات او را، که از چاپ‌های دیوان ساقط مانده است، یادآور شویم.

در این پژوهش از این نسخ خطی سود جستیم: خلاصه‌الاشعار و زیادة‌الافکار، کتاب‌خانه مجلس، شماره اختصاصی ۲۷۲؛ مونس‌الاحرار، کتاب‌خانه دانشگاه علیگر، شماره ۳۷۸۷؛ جُنْگ کمبریج، کتاب‌خانه دانشگاه کمبریج، شماره ۸۴۳؛ تاج‌المآثر، کتاب‌خانه فیض‌الله افندی ترکیه، شماره ۱۴۰۲، میکروفیلم آن در کتاب‌خانه دانشگاه تهران، شماره ۱۶۹؛ جُنْگ، کتاب‌خانه مجلس، شماره ۹۰۰؛ جُنْگ، کتاب‌خانه مجلس، شماره ۸۶۸۰۱؛ جُنْگ، کتاب‌خانه مجلس، شماره ۲۳۶۰۷؛ جُنْگ، کتاب‌خانه مجلس، شماره ۷۵۳؛ جُنْگ، کتاب‌خانه مجلس، شماره ۸۶۶۴۲، و جُنْگ، کتاب‌خانه گنج‌بخش پاکستان، شماره ۱۴۴۵۶.

## ۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های گوناگونی درباره معزی و شعر او انجام شده است؛ اما آنچه به حوزه کار این مقاله نزدیک باشد، پژوهش‌هایی است که یلمه‌ها (۱۳۸۶ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) در این باره انجام داده است. این محقق در پژوهش‌های خود تصحیح دوباره دیوان معزی را ضروری دانسته و موارد متعددی از اشتباهات چاپ‌های دیوان و گونه درست آن اشتباهات را گوش‌زد کرده است. برای پرهیز از تکرار، در ادامه به ذکر مواردی می‌پردازیم که یلمه‌ها بدان اشاره نکرده است.

## ۳. بحث

### ۱.۳ موارد تصحیحی

#### ۱.۱.۳

قطع ستم ز توران امسال برگرفتی      گر پار برگرفتی ز انطاکیه چلیپا

(معزی، ۱۳۸۹: ۵؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵)

مصراع نخست بدین صورت ذم ممدوح است نه مدح او؛ زیرا برگرفتن قحطِ ستم، یعنی ایجاد ستم! در حالی که معزی می‌خواهد بگوید که ممدوحش قحطی و ستم را در آن سال از توران برگرفت؛ همان‌طور که صلیب را از انطاکیه برگرفت (آن‌ها را مسلمان کرد). بنابراین، باید بین «قحط» و «ستم»، واوی آورد تا معنای بیت درست شود و غرض سراینده حاصل شود. آنچه در صفحه ۷ نسخه شماره ۲۳۳۶۰۷ کتاب‌خانه مجلس آمده است، مؤید این امر است:

قحط و ستم ز توران امسال برگرفتی      گر پار برگرفتی ز انطاکیه چلیپا

۲.۱.۳

گفتی سراب‌هاش چو صرح مُمرَد است      از زیر پای آن زن ... آسیا [کذا]  
(معزی، ۱۳۸۹: ۲۵)

ضبط درست بیت بر اساس آنچه در صفحه ۵۸ جُنگ شماره ۸۶۶۴۲ کتاب‌خانه مجلس آمده است، چنین است:

گفتی سراب‌هاش چو صرح مُمرَد است      در زیر پای آن زن آورده از سبا

«صرح ممرد» از ترکیبات قرآنی است که در آیه ۴۴ سوره مبارکه نمل آمده است. منظور از «زن آورده از سبا» ملکه سباست که در همان سوره شریف به داستان او اشاراتی رفته است. گفتنی است که قبری مصراع دوم را این‌گونه ضبط کرده است: «از زیر پای آب در آن هم‌چو آسیا» (معزی، ۱۳۸۵: ۲۰).

۳.۱.۳

ز باد و بهمن و سرما چه باک بود مرا      که هست در دل و طبع من از دو آتش، آب  
یکی ز عشق تو و دیگر از تفکر شعر      شعاع و شعله هر دو رسیده تا به سحاب  
(معزی، ۱۳۸۹: ۵۴؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۹)

آب از آتش پدید آمدن تعبیر غریبی است. در مجمع‌الفصحا (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/ بخش ۱، ۲۰۰۸) و صفحه ۵۵ جُنگ شماره ۸۶۶۴۲ کتاب‌خانه مجلس به جای «آب»، «تاب» آمده است که با توجه به معنای بیت و غرض شاعر همین ضبط برتر می‌نماید.

۴.۱.۳

نرگس پُر خواب او از چشم من بُردست خواب      سنبل پُر تاب او در پشتم آوردست تاب

غلامرضا سالمیان و سهیل یاری گلدره ۵۹

چشم من پر خواب از آن شد پشت من پرتاب از این وین دو حال از هر دو پنداری همی بینم به خواب  
(معزی، ۱۳۸۹: ۶۶؛ معزی، ۱۳۸۵: ۴۹)

چشم عاشق در سنت ادبی ما به بی‌خوابی موصوف است نه به پرخوابی؛ خود معزی نیز در مصراع نخست بیت نخست به همین مسئله اشاره کرده است. بنابراین، «بی‌خواب»، که در صفحه ۲۲۲ نسخه خطی سفینه مونس الأحرار آمده است، ضبط درست است.

### ۵.۱.۳

تا که از لفظ سما باشد سمو را انشقاق  
تا که از بحر هزج باشد رجز را انشعاب  
انشقاق و انشعاب یمن و یسر اندر جهان  
از یمین و از یسارت باد تا یوم الحساب

(معزی، ۱۳۸۹: ۶۸؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵۱)

«انشقاق» در این بافت بی‌معنی است و صورت درست آن «انشقاق» است که در صفحه ۲۲۴ مونس الأحرار آمده است.

### ۶.۱.۳

تیغ تو ابر بود و سپر آفتاب بود  
کردند جنگیان تو خم، ابر و آفتاب  
(معزی، ۱۳۸۹: ۷۱؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵۴)  
«خم» در این جا بی‌معنی است. ضبط درست «ضم» است که در صفحه ۵۴ جنگ محمودشاه نقیب آمده است.

### ۷.۱.۳

ز جسم و طبع تو بردند پایه و مایه  
چه بر اثر و چه بر بحر اخضر آتش و آب  
(معزی، ۱۳۸۹: ۷۳؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵۶)  
با توجه به معنای شعر و آرایه لف و نشر مرتبی که در بیت موجود است و نیز با عنایت به ضبط مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۹: ۱/ بخش ۳، ۲۰۰۷) «خشم» درست است، نه «جسم».

### ۸.۱.۳

رود ز خم کمانش خدنگ جان اویار  
چنان که زخم شیاطین رود ز چرخ اثر  
(معزی، ۱۳۸۹: ۲۲۲؛ معزی، ۱۳۸۵: ۲۰۷)

هر چند بیت همین‌گونه نیز معنی دارد و «زخم» با «زخم» جناس ساخته است، با توجه به تعبیر قرآنی «و لقد زینا السماء الدنيا بمصابیح و جعلناها رجوماً لشیاطین» (ملک: ۵) به نظر می‌رسد ضبط مجمع‌الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۹: ۱/ بخش ۳، ۲۰۲۱)، یعنی «رجم شیاطین» نیز درخور اعتنا باشد.

### ۹.۱.۳

ز فربهی شد و زینت بسان ربع و طلل هر آن صنم که در آن خانه بود چون تصویر  
(معزی، ۱۳۸۹: ۲۳۵؛ معزی، ۱۳۸۵: ۲۲۰)

آشفستگی در معنای بیت آشکار است؛ صورت به‌آیین و درست این بیت در  
مجمع‌الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۹: ۱/ بخش ۳: ۲۰۲۹) چنین است:

ز فرّ و زیب تھی شد بسان ربع و طلل هر آن چمن که چو بت‌خانه بود پُر تصویر

### ۱۰.۱.۳

اگر گشادن روم و عرب عجایب بود کنون گشادن روم و چگل عجایب‌تر  
(معزی، ۱۳۸۹: ۲۸۰؛ معزی، ۱۳۸۵: ۲۵۷)

شاعر در مصراع نخست از گشادن روم و عرب سخن گفته است؛ بنابراین، آوردن  
مجدد «روم» در مصراع دوم بی‌مورد و غلط است. ضبط درست «چین» است که در  
مجمع‌الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/ بخش ۳: ۲۰۳۱) آمده است.

### ۱۱.۱.۳

بنفشه در دل لاله ز داغ، رشک نهد چو سوی لاله به شوخی نگه کند عبهر  
(معزی، ۱۳۸۹: ۳۹۵؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۵۲)

مصراع نخست بدین‌گونه معنای درستی ندارد؛ باید جای «داغ» و «رشک» را عوض کرد  
تا معنای مصراع درست شود. این بیت در صفحه ۱۱۶ تاج‌المآثر به شکل درست آمده است:

بنفشه بر دل لاله ز رشک داغ نهد چو سوی لاله به شوخی نگه کند عبهر

### ۱۲.۱.۳

دوستان تو سراسر ز در خنده و ناز دشمنان تو یکایک ز در گریه خریش [کذا]  
(معزی، ۱۳۸۹: ۴۲۴؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۷۸)

ضبط این بیت در فرهنگ جهانگیری ذیل مدخل «از در» به صورت «گریه ریش» آمده است:

دوستان تو سراسر ز در خنده ناز دشمنان تو سراسر ز در گریه ریش

(جمال‌الدین انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ۱/۷۹۶)

هرچند با این ضبط بیت معنای آشکاری می‌یابد، بنا بر اصل «اصالت ضبط دشوارتر»، تبدیل «خریش» به «ریش» قدری غیرقابل پذیرش می‌نماید؛ افزون بر این که شاهدهی برای «گریه ریش» در متون، تا جایی که نگارندگان جست‌وجو کرده‌اند، یافت نشد. ترکیب «گریه خریش» نیز در ادب فارسی ترکیبی بی‌سابقه است. شاید صورت صحیح این ترکیب «خنده خریش» به معنی «ریش خند» بوده است که با توجه به دشوار بودن دچار دگرگونی شده و احتمالاً کاتبان متوجه تقابل «خنده ناز» و «خنده خریش» نشده و خنده را به گریه بدل کرده‌اند. ترکیب «خنده خریش» در متون کهن به کار رفته است:

ای کرده مرا خنده خریش همه کس مارا ز تو بس جانا مارا ز تو بس

(فرخی سیستانی، ۱۳۸۰: ۴۵۲)

### ۱۳.۱.۳

«برهانی» از شمار قدم بود پیش تو مشهور بود نام و نشان به هر طرف

(معزی، ۱۳۸۹: ۴۲۶؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۸۰)

هرچند بر ضبط «قدم» در این جای‌گاه ایرادی وارد نیست، اما «خدم»، که در صفحه ۵۵ جنگ محمودشاه نقیب آمده است نیز می‌تواند قابل توجه باشد.

### ۱۴.۱.۳

ز تیزچشمی و روشن‌دلی تواند دید شب سیاه به چاه اندرون ز نور خیال

(معزی، ۱۳۸۹: ۴۴۲؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۹۴)

با توجه به تصویر بیت و معنای آن، ضبط «مور» به جای «نور»، در مجمع‌الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۹: ۱/بخش ۳: ۲۰۵۰) آمده است، درست‌تر به نظر می‌رسد. دیدن مور یا خیال مور در شب سیاه در بن چاه، به نشانه آگاهی فراوان، از تصویرهای رایج در ادب فارسی است؛ چنان‌که سعدی می‌فرماید:

حاجت موری به علم غیب بدانند در بن چاهی به زیر صخره صمّا

(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۰۵)

۱۵.۱.۳

ز رخس رستم تمثال دیده‌ام لیکن نوشته صورت او نیست چرخ را تمثال

(معزی، ۱۳۸۹: ۴۴۳؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۹۵)

مصراع دوم بدین‌گونه معنای روشنی ندارد؛ این بیت بدون انتساب در *المختارات من الرسائل* (۱۳۷۸: ۴۸۵) به شکل ذیل آمده است و به نظر می‌رسد که ضبطی درست باشد: «به شبه صورت او نیست چرخ را تمثال».

۱۶.۱.۳

تذرو سوسن و قمری گرفت در چنگل پلنگ لاله کوهی گرفت در چنگل

(معزی، ۱۳۸۹: ۴۴۸)

مشخص نیست که تذرو چگونه می‌تواند قمری را در چنگال بگیرد؟ صورت درست «سوسن حمرا» است که در صفحه ۲۹۹ *مونس الأحرار* آمده است. ایجاد صنعت موازنه از قرائن درستی این ضبط است؛ به علاوه معزی در بیتی دیگر گفته است:

نه هست لاله کوهی پلنگ را بستر نه هست سوسن حمری تذرو را بالین

(همان: ۶۰۱)

۱۷.۱.۳

تو در سلاله آدم ستاره‌ای بودی هنوز پیکر آدم سلاله و صلصال

(همان: ۴۴۹)

واو زایدی که بین «سلاله» و «صلصال» آمده است غلط می‌نماید. در مصراع دوم در صفحه ۳۰۰ *مونس الأحرار* چنین آمده است: «هنوز پیکر او در سلاله صلصال».

۱۸.۱.۳

رسید عید و ز قندیل نار داد به جام ز جام نور به قندیل داد ماه تمام

هلال عید کلید همان در است مگر که قفل گشت بر آن در، هلال ماه تمام

(همان: ۴۵۹؛ معزی، ۱۳۸۵: ۴۰۹)

واژه «تمام» در پایان بیت دوم علاوه بر آن که محل معنای درست است، تکرار قافیه هم است. بیت دوم در *مجمع الفصحاء* (هدایت، ۱۳۸۹: ۱/ بخش ۳: ۲۰۵۲) به شکل صحیح ذیل آمده است:



هلال عید کلید همان در است مگر      که قفل گشت بر آن در، هلال ماه صیام

### ۱۹.۱.۳

گفتم بر آن زمین که خلافتش گذر کند      گفتا خراب و پست شود شهر و خاندان  
... گفتم که باده بر کف او هست سلسبیل      گفتا که سلسبیل عجب نیست در بنان

(معزی، ۱۳۸۹: ۵۹۶)

بر خلاف آنچه در مصراع پایانی آمده است، وجود سلسبیل در بنان باعث تعجب است. اگر ضبط «جنان» در جنگ محمودشاه نقیب (صفحه ۵۴) و جنگ شماره ۷۵۳ مجلس (صفحه ۳۰) را بپذیریم، که قنبری (معزی، ۱۳۸۵: ۵۲۳) نیز چنین کرده است، معنای بیت درست می‌شود؛ ضمن آن‌که در آن دو نسخه به جای «خاندان» در بیت نخست «خان و مان/ خانمان» آمده است که درست‌تر می‌نماید:

گفتم بر آن زمین که خلافتش گذر کند      گفتا خراب و پست شود شهر و خان و مان  
... گفتم که باده بر کف او هست سلسبیل      گفتا که سلسبیل عجب نیست در جنان  
گفتنی است قنبری مصراع دوم را به شکل نادرست «گفتم که باد بر کف ...» ضبط کرده است (همان).

### ۲۰.۱.۳

چون باد و چون آتش روان در کوه و در وادی دوان      چون آتش و خاک گران در کوهسار و در عطن  
(معزی، ۱۳۸۹: ۵۹۸؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵۲۴)

آنچه در ادب پارسی به روانی مشهور است «آب» است نه آتش. از سویی معزی توجهی هم به آوردن چهار عنصر در این بیت داشته و تناسبی ایجاد کرده است. ضمن آن‌که این بیت در *سندبادنامه* (صفحه ۵۷) و *سفینه شمس حاجی* (صفحه ۲۴۵) و جنگ محمودشاه نقیب (صفحه ۵۶) به شکل ذیل ضبط شده است (توجه داشته باشیم که نسخه اساس *سندبادنامه* مورخ ۶۷۲ ق و نسخه دیگر آن مورخ ۶۸۵ ق است):

چون باد و چون آب روان در کوه و در وادی دوان      چون آتش و خاک گران در کوهسار و در عطن

### ۲۱.۱.۳

وصی خاتم پیغمبران و شیر خدای      نبیره عرب و مرد خندق و صفین  
(معزی، ۱۳۸۹: ۶۳۹؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵۵۷)

«نبیره» معنای درستی در این بافت ندارد؛ به نظر می‌رسد صورت درست آن «نبرده» باشد که در فرهنگ جهانگیری (جمال‌الدین انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ۶۱۷) آمده است.

### ۲۲.۱.۳

تا ندیدم زلف مشکینت ندانستم که هست  
تار تبت حلقه‌حلقه بر جهاز ششتری  
(معزی، ۱۳۸۹: ۷۰۹؛ معزی، ۱۳۸۵: ۶۱۳)

صورت درست «بار» است، نه «تار». معزی در قصیده‌ای (۱۳۸۹: ۲۶۱) همین بیت را با اندک اختلافی تکرار کرده است:

تا ندیدم زلف او را من ندانستم که هست  
بار تبت حلقه‌حلقه بر جهاز شوستر

### ۲۳.۱.۳

چو تیغ باده بر آهیجم از میان قدح  
زمانه باید تا پیش من سپر کشدا  
(معزی، ۱۳۸۹: ۷۷۲؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۹۵)

هرچند آمدن «میان» غلط نیست؛ ضبط «نیام»، که در سوانح (غزالی، ۱۳۵۹: ۱۳) و نامه‌های عین‌القضات (۱۳۷۷: ۲ / ۳۴۱) آمده است، استوارتر می‌نماید. در این دو کتاب چند بیت از همین غزل معزی انتخاب شده است.

## ۲.۳ ابیات نویافته

به سبب نبود نسخه‌ای کامل و کهن از دیوان معزی، ابیات متعددی از خلال قصاید او افتاده است؛ گواه این مدعا اشعاری است که از این شاعر در کتب نثر کهن، تذکره‌ها، جنگ‌ها، سفینه‌ها، و مجموعه‌های دارای تاریخ استنساخ نسبتاً کهن، یافت می‌شود. در این بخش به کمک منابع مذکور برخی از ابیات ساقط‌شده از چاپ‌های دیوان معزی را بیان می‌کنیم:

### ۱.۲.۳

با توجه به آنچه در صفحات ۲۲۳ و ۲۲۴ مونس‌الأحرار آمده است، چنین می‌نماید که از قصیده زیبای ذیل با مطلع:

نرگس پُرخواب او از چشم من برده است خواب  
سنبُل پُرتاب او در پشت‌م آورده است تاب  
(معزی، ۱۳۸۹: ۶۶؛ معزی، ۱۳۸۵: ۴۹)

ابیات زیادی افتاده باشد؛ چه در این جنگ حدود بیست بیت از این قصیده، که در نسخه چاپی نیامده است، مضبوط است. در این جا برای پرهیز از اطناب فقط به آوردن این چهار بیت افتاده از دیوان بسنده می‌کنیم:

سید میران علای دولت و شمس ملوک	آن‌که در باب هنر کامل تر است از جدّ و باب
عقل را پیرایه باشد هر که او کرد اختیار	فضل را سرمایه باشد هر چه [او] کرد انتخاب
نامور گشتاسب آن خسرو که او را حاصل است	علم افلاطون و زور رستم و افراسیاب
هر که زو دلشاد شد چرخش نگرداند دژم	هر چه زو آباد شد دهرش نگرداند خراب

۲.۲.۳

در اثنای قصیده ذیل:

ای زلف و عارض تو به هم ابر و آفتاب	با بوی مشک و رنگ بقم ابر و آفتاب
------------------------------------	----------------------------------

(معزی، ۱۳۸۹: ۷۱؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵۳)

در صفحه ۵۴ جنگ محمودشاه نقیب، بیت ذیل، که در هیچ‌یک از چاپ‌های دیوان نیست، آمده است:

نشگفت اگر به مدح تو گویند مدح من	بر طرف چرخ و ساحل یم ابر و آفتاب
----------------------------------	----------------------------------

۳.۲.۳

در صفحات گوناگون نسخه مورخ ۶۹۴ تاج المآثر ابیاتی از معزی آمده است؛ از آن جمله در صفحه ۱۲ آن کتاب این دو بیت از معزی، که بیت اول آن در دیوان چاپی او نیست، آمده است:

از تیغ او به جای صلیب و کلیسیا	در دار کفر مسجد و محراب و منبر است
آن‌جا که بود نعره و فریاد مشرکان	اکنون خروش و نعره الله اکبر است

ناگفته نماند که بیت دوم در دیوان معزی چنین است:

آن‌جا که بود نعره ناقوس رومیان	اکنون خروش و ناله الله اکبر است
--------------------------------	---------------------------------

(معزی، ۱۳۸۹: ۷۸؛ معزی، ۱۳۸۵: ۶۳)

۴.۲.۳

در خلال این قصیده معزی با مطلع:

آن خداوندی که او بر پادشاهان پادشاست مستحقّ عدّت و مجد و جلال و کبریاست  
(معزی، ۱۳۸۹: ۱۲۴؛ معزی، ۱۳۸۵: ۱۰۹)

در صفحات ۷۲ و ۷۳ جنگ شماره ۹۰۰ کتاب‌خانه مجلس، شش بیت ذیل، که از دیوان چاپی ساقط است، آمده است:

پیش نام او همه افسون دیوان باطل است ... وز کمال صنع او ترتیب دارد در سرشت ... از رضا مگذر که بوی روضه رضوان دروست ... روز و شب در وادی غفلت نهادستی قدم ... پیش او ما را به خلوت بندگی باید نمود ... زان که در خلوت نمودن بندگی عجز است و صدق

پیش ذکر او همه نیرنگ مختالان هباست هرکجا ترتیب آب و آتش و خاک و هواست وز هوا بگذر که دود هاویه زیر هواست برحذر باش اندران وادی که جای ازدهاست کان بسی بهتر ز قرآیی نمودن بر ملاست زان که قرآیی نمودن بر ملا روی و ریاست

### ۵.۲.۳

در جنگ گنج‌بخش (صفحه ۵) ابیاتی از معزی آمده است؛ مانند ابیاتی از این قصیده:  
مشک و شنگرف است گویی بیخته بر کوهسار نیل و زنگارست گویی ریخته بر جویبار  
(معزی، ۱۳۸۹: ۲۱۸؛ معزی، ۱۳۸۵: ۲۰۳)

پس از بیت هفتم قصیده، این دو بیت، که از دیوان فعلی ساقط شده، آمده است:  
فرش‌های عپهری گسترده شد در بوستان جامه‌های ششتری گسترده شد در کوهسار  
ژاله کرد از ابر آذاری پُر از گوهر دهن سبزه کرد از باد نوروزی پُر از عنبر کنار

### ۶.۲.۳

از این قصیده معزی با مطلع:  
ای تازه‌تر از برگ گل تازه به بر بر پرورده ترا خازن فردوس به بر بر  
(معزی، ۱۳۸۹: ۲۲۸؛ معزی، ۱۳۸۵: ۲۱۳)

شش بیت ذیل از دیوان چاپی ساقط شده، اما در جنگ شماره ۹۰۰ کتاب‌خانه مجلس (صفحه ۸۲) ضبط شده است:

گر صاعقه بر سنگ همی کارگر آید تیرش به از آن کارگر آید به سپر بر

آن تیر نه تیر است عقابی است که بسته است  
این قاعده عقل تو آثار رسوم است  
هرچند بصر نیست به مقدار کم از جان  
ارزاق بشر چون به ازل در بنشستند  
نومید نگردد نظر هر که نشیند  
خطّ اجل و فتح به منقار و به پر بر  
چون قاعده شرع به اخبار و سور بر  
رشک است به دیدار تو جان را به بصر بر  
جود تو رقم گشت بر ارزاق بشر بر  
در سایه عدل تو به امید نظر بر

### ۷.۲.۳

در مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/ بخش ۳: ۲۰۳۰) پس از این بیت معزی:

ماند به نار خشمش و ماند به خاک حلم  
اندر یکی تحرک و اندر یکی قرار  
(معزی، ۱۳۸۹: ۳۷۰؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۳۱)

بیت ذیل آمده است؛ در حالی که بیت مذکور در دیوان چاپی معزی وارد نشده است:  
جان در تعجب و خرد اندر تفکر است  
تا خاک را چگونه مسخر شده است نار

### ۸.۲.۳

بیت دوم این قصیده:

به دُرّ و مشک ز ابر بهار و باد شمال  
موشح است زمین و معطر است جبال  
(معزی، ۱۳۸۹: ۴۴۸؛ معزی، ۱۳۸۵: ۳۹۹)

از دیوان افتاده است؛ اما خوش بختانه در مونس الأحرار (صفحه ۲۹۹) مضبوط است:

فلک زده است ز کافور بر درخت رقم  
هوا زده است ز شنگرف بر گلستان خال

### ۹.۲.۳

از قصیده یادشده، پس از بیت ۱۰۵۷۳ و ۱۰۵۸۱ در همین جنگ (صفحه ۳۰۰)، دو بیت دیگر نیز، که در نسخه چاپی نیست، آمده است:

بکاهد و بفرزاید ز کین و مهر تو جان  
چگونه عرضه کنم وصف مدتی که گذشت  
که کین تو چو سموم است و مهر تو چو شمال  
میان خوف و رجا فکرت نسا و رجال

### ۱۰.۲.۳

پس از بیت دوم این قصیده:

۶۸ پیش‌نهادهایی برای تصحیح برخی از بیت‌های دیوان معزی ...

گفتم مرا بوسه ده ای ماه دلستان      گفتا که ماه بوسه کرا داد در جهان  
(معزی، ۱۳۸۹: ۵۹۵؛ معزی، ۱۳۸۵: ۵۲۲)

این بیت در صفحه ۲۹ جنگ شماره ۷۵۳ کتاب‌خانه مجلس آمده که از دیوان افتاده است:  
گفتم به هر مهی دو شب از من نهنان شوی      گفتا که ماه باشد در مه دو شب نهنان

### ۱۱.۲.۳

در اثنای قصیده غرای:

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من      تا یک زمان زاری کنم بر ریع و اطلال و دمن  
(معزی، ۱۳۸۹: ۵۹۷؛ همان، ۱۳۸۵: ۵۲۴)

در منابعی هم چون *کلیده و دمنه* (۱۳۸۵: ۳۶۰)، *المعجم فی معاییر اشعار العجم* (۱۳۸۷: ۴۱۱)، *سندبادنامه* (۱۳۸۱: ۵۷)، *فرائد السلوک* (۱۳۶۸: ۴۹۶)، *سفینه شمس حاجی* (۱۳۹۰: ۲۴۵)، و جنگ شماره ۸۶۸۰۱ کتاب‌خانه مجلس (صفحه ۱۳۷) این بیت زیبا که از دیوان ساقط شده، آمده است:

هایل هرونی تیزرو اندک‌خور بسیار دو      از آهوان برده گرو، در پویه و در تاختن

### ۱۲.۲.۳

در لباب الالباب بعد از این بیت:

اگر به نزد تو آیم سزد که آمد وقت      وگر مدیح تو گویم سزد که آمد گاه  
(معزی، ۱۳۸۹: ۷۸؛ معزی، ۱۳۸۵: ۶۰۱)

بیت ذیل آمده است که در دیوان چاپی معزی نیست:  
به فرق بر نهم امروز فرش این مجلس      به چشم درکشم امروز خاک این درگاه  
(عوفی، ۱۳۸۹: ۴۵۶/۲)

### ۱۳.۲.۳

در کتاب ارزش‌مند *اغراض السیاسیه* به تصریح مؤلف، سه رباعی به نام معزی آمده است. این سه رباعی، که در دیوان چاپی شاعر نیست، با توجه به قدمت کتاب یادشده، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در *اغراض السیاسیه* آمده است:

«... چنان‌که امیرالشعرا معزی، که در دیوان او جزین دو بیت هجا نیست، شعر:

هرگز ز ضمیر من گل هجو نرست  
بر هجو تو کرده‌ام کنون عزم درست  
تو هم‌چو سگی و هجو من شمشیر است  
شمشیر به سگ برآزمایند نخست»  
(ظهیری سمرقندی، ۱۳۴۹: ۳۰۷)

«پس سلطان عالم بر فتح و ظفر شراب خواست و امیرالشعرا معزی این بیت بگفت:  
بزم‌ت چو رخ بتان ایلاقی باد  
عمرت چو نتیجه خرد باقی باد  
هر سر [که] نه بر خط رضای تو بود  
بی‌تن چو سر قراجه ساقی باد»  
(همان: ۴۰۸)

«و معزی بی‌تی دیگر بگفت:  
آن‌ها که به خدمت نفاق آوردند  
سرمایه عمر خویش طاق آوردند  
دور از سر تو سام به سرسام بمرد  
و اینک سر سوری به عراق آوردند»  
(همان: ۴۰۹)

### ۱۴.۲.۳

تعدادی رباعی در *نزهة المجالس* شروانی به معزی نسبت داده شده است که پاره‌ای از آن‌ها در *دیوان فعلی* او نیست. هرچند به قول یکی از محققان: «رباعی لیز و لغزان‌ترین گونه شعری به لحاظ صحت انتساب است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۸۸). از آن‌جا که این رباعیات به کسان دیگری نسبت داده نشده است، در این‌جا برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

خورشید رخی که عشق او شد دینم  
گفت امشب آیم بر تو بنشینم  
نومید شد و گفت دل مسکینم  
خورشید به شب که دید؟ تا من بینم  
(خلیل شروانی، ۱۳۶۶: ۴۲۶)

ای دیده و دل هر دو پسندیده تو را  
دارم ز عزیزی چو دل و دیده تو را  
از دیدن دیده گر شود دل عاشق  
دل عاشق گشت و دیده نادیده تو را  
(همان: ۴۵۶)

در هجر تو با چشم پر خون باشم  
در رنج ز هر چه گویی افزون باشم  
یک بار بدیدمت بدین حال شدم  
گر بار دگر ببینمت چون باشم؟  
(همان: ۴۵۸)

کی دست دهد وصل چو تو دل‌بندی	الّا به هزار حيله هر يك چندی
ای در بن هر موی من از تو مهري	وی با سر هر موی توام پیوندی
(همان: ۴۹۵)	
جانا چو جفا بود حاصل جنگ	با تو نکنم مقام، در منزل جنگ
چون حل نکند همی دلم مشکل جنگ	دارم سر آشتی ندارم سر جنگ
(همان: ۵۰۴)	
خاک قدمت تاج سر ناهید است	دیدار تو زندگانی جاوید است
در پای تو میراد که ماه دگری	ماه گردون، اگر همه خورشید است
(همان: ۵۲۸)	

#### ۴. نتیجه‌گیری

۱. با توجه به نبود نسخه‌های کهن برخی از متون ادبی متون واسطه‌ای مانند تذکره‌ها، جنگ‌ها، مجموعه‌ها، و سایر متون نظم و نثر، که بخشی از متن مورد نظر را تضمین کرده باشند، نقش مهمی در یافتن صورت درست ضبط کلمات ایفا می‌کنند.
۲. در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از متون واسطه‌ای ۲۵ پیش‌نهاد تصحیحی جدید برای متن دیوان معزی ارائه شد.
۳. از همین طریق حدود ۴۵ بیت از معزی که در دیوان چاپی او نیامده است، معرفی شد.
۴. آنچه در این نوشتار آمد و آنچه پژوهش‌گران در پژوهش‌های پیشین بدان دست یافته‌اند (← پیشینه تحقیق همین مقاله) مؤید ضرورت تصحیح دوباره دیوان معزی است.

#### منابع

- قرآن مجید.
- جمال‌الدین انجو شیرازی، حسین بن حسن (۱۳۵۱). فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، ۳ جلد، مشهد: دانشگاه مشهد.
- جنگ (بی‌تا). کتاب‌خانه مجلس، ش ۲۳۶۰۷.
- جنگ (بی‌تا). کتاب‌خانه مجلس، ش ۷۵۳.
- جنگ (بی‌تا). کتاب‌خانه مجلس، ش ۸۶۶۴۲.
- جنگ (بی‌تا). کتاب‌خانه مجلس، ش ۸۶۸۰۱.



- جنگ (بی‌تا). کتاب‌خانه مجلس، ش ۹۰۰.
- جنگ گنج‌بخش (سده هفتم). کتاب‌خانه گنج‌بخش پاکستان، ش ۱۴۴۵۶.
- خلیل شروانی، جمال‌الدین (۱۳۶۶). *نزهة المجالس*، تصحیح و مقدمه محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- دولت‌شاه سمرقندی، ابن بختیشاه (۱۳۸۵). *تذکرة الشعراء*، تصحیح فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سجاسی، اسحاق بن ابراهیم (۱۳۶۸). *فرانده السلوک*، تصحیح عبدالوهاب نورایی وصال و غلامرضا افراسیابی، تهران: پاژنگ.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۱). *کلیات*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: پیمان.
- شمس حاجی، محمد (۱۳۹۰). *سقیه* (تدوین و کتابت به سال ۷۴۱ ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیق میلاد عظیمی، تهران: سخن.
- شمس قیس رازی، محمد بن قیس (۱۳۸۷). *المعجم فی معاییر أشعار العجم*، تصحیح محمد قزوینی و محمدتقی مدرس رضوی، تهران: زوار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). *سیر رباعی*، تهران: علم.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۴۹). *اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة*، تصحیح و اهتمام جعفر شعار، تهران: دانشگاه تهران.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۸۱). *سندبادنامه*، تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، تهران: میراث مکتوب.
- عوفی، محمد (۱۳۸۹). *لباب الالباب*، تصحیح ادوارد براون، تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، تهران: هرمس.
- عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد (۱۳۷۷). *نامه‌ها*، تصحیح علی‌نقی منزوی و عفیف عسیران، تهران: اساطیر.
- غزالی، احمد (۱۳۵۹). *سوانح*، بر اساس تصحیح هلموت رتر، با تصحیحات جدید و مقدمه و توضیحات نصرالله پورجوادی، تهران: بنیاد فرهنگ.
- کاشانی، محمد بن شرف‌الدین (سده یازدهم). *خلاصة الأشعار و زیادة الأفكار*، کتاب‌خانه مجلس، شماره اختصاصی ۲۷۲.
- کلامی اصفهانی (بی‌تا). *مونس الأحرار*، کتاب‌خانه دانشگاه علیگر، ش ۳۷۸۷.
- محمودشاه نقیب (۸۲۷). *جنگ کمبریج*، کتاب‌خانه دانشگاه کمبریج، ش ۸۴۳.
- المختارات من الرسائل* (۱۳۷۸). به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار، تهران: موقوفات محمود افشار.
- معزی، محمد بن عبدالملک (۱۳۸۵). *دیوان اشعار*، تصحیح محمدرضا قنبری، تهران: زوار.
- معزی، محمد بن عبدالملک (۱۳۸۹). *دیوان اشعار*، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۸۵). *کلیله و دمنه*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- نظامی، محمدحسن (۶۹۴). *تاج المآثر*، کتاب‌خانه فیض‌الله افندی ترکیه، شماره ۱۴۰۲، میکروفیلم آن در کتاب‌خانه دانشگاه تهران، ش ۱۶۹.

۷۲ پیش‌نهادهایی برای تصحیح برخی از بیت‌های دیوان معزی ...

هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۲). مجمع‌الفصحاء، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.  
یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷). «دیوان امیر معزی و لزوم تجدید تصحیح»، مجله علوم انسانی دانشگاه  
الزهر (س)، ش ۶۸ و ۶۹.  
یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۸۶). «تصحیحی جدید از دیوان امیر معزی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۳.

Archive of SID